

# یک ارجاع کهن به ابن قبه و مطلبی درباره او

محمد کاظم رحمتی

عالم و متکلم جلیل القدر امامیه ابو جعفر محمد بن عبدالرحمن بن قبه (متوفی قبل از ۳۱۹) در بخشی از کتاب بسیار مهم خود در نقد ابوزید علوی به نام الاشهاد در بند ۴۶، از قول ابوزید علوی نقل کرده که در خرده گیری بر امامیه گفته که آنها در نقد واقفه به این مطلب استناد می کرده اند که «إن الامام لا یکون إلا ظاهرا موجودا» و در ادامه این مطلب ابن قبه تصریح کرده که امامیه همواره بر این اعتقاد بوده که «أن الامام لا یکون إلا ظاهرا مکشوفاً او باطنا مغموراً» و در اشاره به شهرت مطلب اخیر، آن را مستند به حدیث نقل شده از صحابی جلیل القدر امیر المؤمنین کمیل بن زیاد (شهادت ۸۲ - ۸۳ هجری قمری) کرده است.

استاد ارجمند آقای سید حسین مدرسی طباطبائی در تعلیقه‌ای بر این مطلب در کتاب مکتب در فرایند تکامل (ص ۲۸۸، پاورقی ۱) گفته اند که در نقل زیدی از حدیث کمیل، عبارت «اما ظاهرا مشهورا و اما خائفا مغمورا» نیست و این مطلب را به کتاب تیسیر المطالب ابوطالب یحیی بن حسین هارونی ارجاع داده اند، هر چند در ادامه، گفته ای از جاحظ در الحيوان (ج ۲، ص ۲۶۹) را مورد استشهاد قرار داده اند که نقل امامی کلام امیر المؤمنین را تایید می کند.

در هنگام تورق نسخه خطی کتاب الافاده فی الفقه از عالم زیدی ابوالقاسم حسین بن حسن هوسمی که اثری در فقه زیدیه بر اساس مذهب فقهی المؤید بالله ابوالحسین احمد بن حسین هارونی است، در بخش زیادات کتاب که حاوی پرسش و پاسخ هایی در مسائل مختلف از هارونی است، به مطلبی درباره حدیث کمیل برخوردم که نشان می دهد نقل متداول زیدی حدیث کمیل نیز در اصل مشتمل بر عبارتی محذوف

در تحریر فعلی تیسیر المطالب ابوطالب هارونی - برادر المؤید بالله- نیز بوده است. درباره اینکه چرا در کتاب تیسیر المطالب هارونی عبارت «أما ظاهرا مشهورا و اما خائفا مغمورا» موجود نیست، احتمالات چندی وجود دارد.

کتاب تیسیر المطالب در حقیقت ترتیب مجدد و نظم بندی است از کتاب امالی هارونی است که قاضی جعفر بن عبدالسلام مسوری (متوفی ۵۷۳) نسخه ای از آن را در سفر به ایران با خود به یمن برده و ترتیب جدیدی آن، کار اوست. احتمالا با توجه به شهرت حدیث کمیل حتی در میان اوساط زیدیه، بعید است که ابوطالب هارونی خود کسی باشد که حدیث را تقطیع کرده است، و احتمالا قاضی جعفر در هنگام تنظیم امالی هارونی که در هر حال می دانیم نسخه هایی از این کتاب موجود بوده که تحریر متفاوتی نیز از نسخه ای که در اختیار قاضی جعفر داشته، عبارت حدیث را تقطیع کرده یا شاید کاتبی زیدی، عبارت را از نسخه ای که در اختیار قاضی جعفر بوده، حذف کرده است. در هر حال متن زیر شاهدهی است از اینکه متن حدیث در اوساط زیدی و امامیه یکسان بوده، هر چند تاویل و تفسیر آن در میان زیدیه متفاوت از تعبیر امامیه بوده است.

درباره ابوالقاسم هوسمی مؤلف کتاب الافاده متاسفانه اطلاعات چندانی دانسته نیست تنها می دانیم که اهل هوسم (رودسر فعلی) بوده و از شاگردان برجسته ابوالحسین هارونی که کتاب الافاده وی در نسخه های متعددی در کتابخانه های یمن باقی مانده است.<sup>۱</sup> متاسفانه کتب شرح حال و تراجم زیدی مطلب بیشتری درباره او ذکر نکرده اند.

### عبارتی از کتاب الافاده هوسمی درباره حدیث کمیل

«و سئل عن معنی قول أمير المؤمنين صلوات الله عليه في حديث كميل بن زياد «اللهم بلى لم تخل الأرض من قائم لله بحجة إما ظاهرا مكشوفاً وإما خائفا مغموراً». فقال قدس الله روحه: انه ليس المراد به الأئمة و إنما المراد به العلماء المشتغلون بعلم الشرع و ذلك صحيح امر الله (؟) تعالى ما ابقى التكليف الشرعى، فلا يخلو الأرض ممن يشتغل بعلم الشرع و قوله اما ظاهرا و اما مغمورا، فالمراد به إنه إما أن يكون ظاهرا لا يخفى حاله على حل الناس يسار إليه بحيث لا يلتبس على الناس امره و اما ان يكون فى عرض الناس و مغمورا بينهم و لا يظهر حاله كل الظهور و ان كان يمكن لظالم النجاة و مرتاد الحق ان يجد السبيل إليه و هذا وجه الحديث.

و يجوز أن يتأول الحديث على وجه و هو إن يكون المراد به من يصلح الإمامة إن مذهبنا أن الأرض لا يخلو من حجة ممن يصلح لها من أهل البيت رسول الله صلى الله عليه و على آله و معنى قوله اما ظاهرا و اما مغمورا على هذا هو ان يكون امام قد اظهر بنفسه و الدعوة و الخروج و مباينة الظالمين و يكون قد وجبت له الامامة او يكون مغمورا فى الناس لم يظهر بنفسه و لم يبرز الدعوة و لم يبين الظالمين لعذر بينه و بين الله تعالى، فهو ممن يصلح للامامة و ان لم يكن وجبت له بعد، فالحاله الاولى مثل حاله زيد بن على صلوات الله عليه بعد خروجه بالسيف على الظالمين و حاله الثابتة مثل حاله عالم قبل الخروج اذ هو موقوف

### علی العلم و العبادة.

فاما ما یذهب إليه الإمامیه من غیبه إمامها علی الوجه الذی یدعیه، فذلک باطل لا معنی له لا فرق بین وجوده - لو صح وجوده - و وجود جبرئیل و میکائیل علیهما السلام الا ترى انه بمشابهتهما فی انه لا یمکن الرجوع إليه فی حلال أو حرام أو ناسخ أو منسوخ أو ندب أو واجب أو حل أو عهد و ما کان کذلک، فلا یجوز أن یتعلق الشرع و حکمه به، اذ وجوده فی هذا الباب کعدمه و هذا کلام قد استقصناه فی کتابنا المسمى کتاب التوفیق الذی نقضا به کتاب ابی جعفر بن قبه»<sup>۲</sup>.

عبارت هوسمی شاهد خوبی است که حدیث کمیل در محافل زیدی و امامیه یکسان بوده هر چند در بعد، حدیث کمیل در محافل زیدی تقطیع شده، نقل شده است.<sup>۳</sup>

### پی نوشت ها:

- ۱- در کتابخانه اوقاف به شماره های ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۳۶، ۱۲۱۳ و ۱۳۳۷ و در کتابخانه مکتبه الغریبه جامع کبیر صنعاء، شماره ۱۴ فقه نسخه هایی از این کتاب وی موجود است. من از تصویر نسخه ای از این کتاب در مجموعه طاووس یمانی به شماره ۶۳ استفاده کرده ام. برای گزارشی کوتاه درباره هوسمی بنگرید به: عبدالسلام بن عباس الوجیه، اعلام المؤلفین الزیدیه، ص ۳۱۲ - ۳۱۳.
- ۲- به واسطه منابع دیگری می دانیم که ابوالحسین هارونی نقدی در جوانی بر کتاب ابن قبه نوشته است اما متأسفانه نسخه ای از این کتاب تا به حال شناخته نشده است. المرشد بالله شجری در ضمن شرح حال ابوالحسین هارونی در تذکری کوتاه درباره آثار هارونی متذکر شده که وی کتابی در جوانی در نقد ابن قبه در مسئله امامت نگاشته است.
- ۳- دوست عزیز عبدالسلام بن عباس الوجیه در تذکری درباره دعای کمیل اشاره کردند که خواندن این عبارت در میان زیدیه نیز رواج دارد هر چند آنها عبارتی از دعا را که به گمانشان جبری است، حذف کرده اند. در هر حال سنت تقطیع در میان محدثان کاری نه مبقول اما متداول بوده است.

پرتال جامع علوم انسانی و مطبوعات تربیتی